

# افزایش جمعیت از رهگذر مداخلات کیفری؛

## نگاهی به فرایند تصویب و چالش‌های اجرای

### قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت\*

- محمدباقر مقدسی<sup>۱</sup>  
□ مهرانگیز روستائی<sup>۲</sup>

#### چکیده

نگرانی سیاست‌گذاران در دو دهه اخیر نسبت به کاهش رشد جمعیت کشور، موجب شد که طرح و سیاست‌های متعددی جهت تغییر این روند پیشنهاد گردد. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰) بیانگر آخرین اراده قانون‌گذار جهت تغییر این روند است. این قانون در کنار تدابیر حمایتی و تشویقی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مختلفی در زمینه غربالگری، ارائه وسایل پیشگیری از بارداری، عقیم‌سازی و سقط جنین قانونی در نظر گرفته است. در کنار این موارد، همانند اغلب قوانین خاص، استفاده از تدابیر کیفری نیز مدنظر قانون‌گذار بوده و تلاش شده است از طریق آن، هدف اصلی تدوین‌کنندگان قانون یعنی افزایش جمعیت محقق شود. با این حال، مداخلات کیفری قانون‌گذار از جهات مختلف محل ایراد است. این ایرادها را می‌توان در یک تقسیم‌بندی، متوجه سیر

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸.

۱. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه بجنورد (نویسنده مسئول) (mbmoghadasi@ub.ac.ir).

۲. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه ملایر (m.roustai@gmail.com).

تصویب قانون و مشکلات اجرایی آن دانست. جرم‌انگاری با مشارکت حداقلی نمایندگان و وضع قانون از مسیر اضطراری اصل ۸۵ قانون اساسی، عدم توجه به قوانین پیشین که نتیجه آن تورم قوانین کیفری است، رجوع به در دسترس‌ترین ابزار یعنی مجازات و پیشتازی در کیفرگرایی در فقدان مطالعه تطبیقی تدابیر غیر کیفری، به سیر تصویب قانون برمی‌گردد. از سوی دیگر، ابهام در نوع ضمانت اجراها از جمله استفاده از واژگان تفسیربردار مانند «عمده»، «گسترده»، «وسیع»، «عوامل مؤثر»، «چرخه تجارت» و ذکر درجه مجازات بدون تعیین نوع مجازات به درجه و نیز دشواری اجرای مجازات نسبت به اشخاص حقوقی، از مهم‌ترین ایرادهایی است که در مرحله اجرا، قانون را با چالش مواجه خواهد کرد. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی تلاش دارد مهم‌ترین چالش‌ها و ایرادهای مداخلات کیفری این قانون در مرحله تقنین و اجرا را شناسایی و معرفی نماید.

**واژگان کلیدی:** جرم‌انگاری، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سقط جنین، افزایش جمعیت.

### مقدمه

از ابتدای دهه ۱۳۹۰ شمسی و به دنبال ارائه آمارهای مختلف در زمینه کاهش رشد جمعیت و حرکت هرم جمعیتی به سمت سالمندی، مقام‌های مختلف نسبت به ضرورت تغییر در سیاست‌های جمعیتی اظهار نظر کرده‌اند (فولادی، ۱۳۹۸: ۴۵). تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت در سال ۱۳۹۳ را که به منظور جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و باروری صورت گرفت، نیز می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. در کنار این برنامه‌ها، سیاست‌گذاران تلاش کرده‌اند از طریق سیاست‌های تشویقی، زمینه افزایش جمعیت را فراهم آورند. افزایش مدت مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه، اعطای مرخصی تشویقی به پدران در ازای تولد هر فرزند، تأمین و پرداخت هزینه‌های ناشی از افزایش مدت مرخصی به سازمان تأمین اجتماعی، بخشی از اقداماتی است که در راستای این امر صورت گرفته است. در کنار این مصوبات تلاش شد از طریق تصویب قانون خاص، دامنه راهکارهای تشویقی و حمایتی گسترش یابد. از این رو در سال ۱۳۹۲، «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید. هرچند در مجالس مختلف، اقداماتی جهت تصویب این طرح صورت گرفت، ولی به دلایل متعدد تصویب نگردید.

در مجلس یازدهم، بار دیگر طرح جدیدی با عنوان «طرح جوانی جمعیت و تعالی خانواده» از سوی تعدادی از نمایندگان، تقدیم مجلس شد. هرچند در نسخه اولیه این طرح، تمرکز بر افزایش و توسعه تدابیر تشویقی و حمایتی از قبیل افزایش سنوات مجاز تحصیلی بانوانی که در دوران دانشجویی وضع حمل می‌کنند، افزایش سالیانه کمک هزینه اولاد، اعطای وام قرض‌الحسنه و کمک بلاعوض مالی بود،<sup>۱</sup> ولی در ادامه، مباحث دیگری مانند محدودیت در غربالگری، ممنوعیت ارائه رایگان وسایل پیشگیری از بارداری و مانند آن نیز به متن طرح اضافه گردید. این در حالی است که افزایش جمعیت و فرزندآوری ذاتاً مقوله‌ای دستوری و قهری نیست و بیش از آنکه نیازمند ابزارهای واکنشی باشد، مقوله‌ای چندوجهی و مستلزم اقتناع، فرهنگ‌سازی، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، ارتقای شرایط اقتصادی جامعه و ایجاد امنیت خاطر و تقویت نگاه خوشبینانه به آینده است.

این قانون، که در آخرین بازگشت از شورای نگهبان به «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» تغییر نام یافت، متضمن برخی تدابیر کیفی بوده و تلاش شده در کنار استفاده از تدابیر تشویقی، از طریق سازوکارهای کیفی، افزایش جمعیت کشور محقق گردد. گرچه اغلب ضمانت‌اجراهای کیفی پیش‌بینی شده در این قانون به نوعی با سقط جنین مرتبط است (مواد ۵۶، ۵۸، ۶۰ و ۶۱)، اما در عین حال در کنار این تدابیر، در ماده ۷۱ نیز جرایم جدیدی در زمینه استنکاف از اجرای قانون و نیز اهمال یا ترک فعل یا ممانعت از اجرای احکام قانون پیش‌بینی شده است. هرچند این قانون در صحن علنی مجلس مطرح نشده و نمی‌توان مراد اصلی تدوین‌کنندگان آن را در توسعه جرایم مرتبط با سقط جنین دریافت، ولی نگاهی به گفتمان نمایندگان در رسانه‌های گروهی پس از تصویب این قانون نشان می‌دهد که نگرانی آنان از آمار بالای سقط جنین، یکی

۱. نمایندگان مجلس تلاش بسیاری داشتند که این طرح به سرانجام طرح‌های مشابه قبلی دچار نشده و به سرعت تصویب و نهایی شود. از این رو حتی در فاصله ۸ ماه قبل از تأیید نهایی شورای نگهبان، در اسفند ماه ۱۳۹۹ در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور، محلی را برای تأمین بودجه اجرای آن در نظر گرفتند؛ چنان که در بند او تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ بیان شده است: «به دولت اجازه داده می‌شود... از محل... واگذاری اموال و دارایی‌های غیر منقول به شرح زیر تأمین و هزینه نماید... باقی‌مانده آن مربوط به مواردی که محل تأمین آن از محل فروش اموال است به... اجرای موضوع جوانی جمعیت و حمایت از خانواده اختصاص می‌یابد».

از دلایل اصلی جرم‌انگاری‌های جدید است؛ چنان که طبق آمار غیر رسمی، سالانه بالغ بر ۳۵۰ هزار مورد سقط غیر قانونی اتفاق می‌افتد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۶).

بر این اساس از آنجایی که این قانون متضمن مداخلات کیفری جدید است، این مقاله در نظر دارد به روش توصیفی تحلیلی، فرایند تصویب و اشکالات اجرایی این قانون را بررسی و تحلیل نماید؛ با ذکر این نکته که مداخلات کیفری این قانون می‌تواند دستاویز مطالعات مختلفی از جمله بررسی آن از منظر اصول جرم‌انگاری، اخلاق پزشکی، جامعه‌شناختی و مانند آن قرار گیرد که از موضوع بحث این مقاله خارج است.

از این رو در ادامه، ابتدا ایرادهایی که به اصل تصویب این قانون برمی‌گردد، بیان خواهد شد. نخست بیان می‌شود که قانون‌گذار با تفسیر گسترده از واژه ضرورت، تلاش نموده با تمسک به اصل ۸۵ قانون اساسی، قانون آزمایشی وضع کند؛ حال آنکه نگاهی به مواد این قانون نشان می‌دهد که موضوعات مطرح شده، چندان فوریت نداشته که تصویب آن را در کمیسیون ویژه اقتضا نماید. از سوی دیگر، علاقه وافر قانون‌گذار به تدابیر کیفری موجب شده که اصل حداقل‌گرایی کیفری نادیده گرفته شود. همچنین بدون تأمل در تجارب حقوق تطبیقی، تدابیری پیش‌بینی شده که مشابه آن در حقوق تطبیقی وجود ندارد. پس از بیان ایرادهای مرحله تقنینی، مشکلاتی که این نحو قانون‌گذاری ممکن است در مرحله اجرا ایجاد نماید، بیان و مصادیقی از آن تشریح خواهد شد؛ آن‌چنان که ابهام و عدم شفافیت در نوع ضمانات اجراها و نیز عدم تطابق ضوابط پیش‌بینی شده برای مسئولیت کیفری و مجازات اشخاص حقوقی با قواعد عمومی مسئولیت و مجازات، موجب می‌شود که اجرای ضوابط پیش‌بینی شده در این قانون با چالش‌های اساسی مواجه شده و زمینه تفسیرهای مختلف فراهم گردد.

## ۱. آسیب‌پذیری قانون در مرحله تصویب؛ نقض اصول تشریفاتی<sup>۱</sup> و

### ماهوی تقنین

حذف دسترسی‌هایی که تا پیش از این برای تابعین قانون حمایت از خانواده و جوانی

۱. دسته‌ای از اصول قانون‌گذاری با ویژگی نهادی- رویه‌ای که می‌تواند مراحل پیش از قانون‌گذاری، قانون‌گذاری و پس از قانون‌گذاری را در بر گیرد (راسخ و مرکزالمیری، ۱۳۹۱: ۵۳).

جمعیت آزاد بود و نیز ایجاد محدودیت‌های جدید بر آن‌ها، این قانون را بیش از هر چیز، نیازمند طی اصولی مراحل وضع قانون می‌کند. شتابزدگی در تهیه پیش‌نویس قانون بدون ارزیابی پیشینی تأثیرات درازمدت آن بر خانواده و جامعه توسط کارشناسان ذیربط در حوزه‌های مورد مداخله، قطع ارتباط میان کمیسیون و صحن در وضع آزمایشی قانون، غیر علنی بودن مسیر تصویب و در نتیجه فقدان مذاکرات پارلمانی برای ارزیابی پایبندی قانون‌گذار به اصول ماهوی قانون‌گذاری که برآیند آن توسل به سازوکارهای کیفری جهت افزایش جمعیت است، مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری و آسیب‌زایی این قانون است، که اولی متوجه قانون‌گذار و نظام قانون‌گذاری، و مورد اخیر متوجه تابعان و مجریان قانون خواهد شد؛ تجربه منحصر به فردی از قانون‌گذاری که مشابه آن در حقوق تطبیقی مشاهده نمی‌شود.

### ۱-۱. وضع قانون آزمایشی از مسیر اضطراری اصل ۸۵ قانون اساسی

این ایراد به ساختار اساسی تقنین در سیستم قانون‌گذاری ایران برمی‌گردد. بررسی و تصویب طرح‌ها و لوایح مبتنی بر طی مراحل است که طول زمان در آن نقش قابل توجهی دارد (هاشمی، ۱۴۰۰: ۱۴۴/۲). وجود وضع عادی در بررسی و تصویب طرح‌ها و لوایح، آن‌ها را از شمول فوریت‌ها در تصویب خارج می‌کند. این سیر عادی با اعلام وصول طرح‌ها و لوایح و ارجاع آن به کمیسیون آغاز می‌شود؛ سپس کلیات مورد رسیدگی در کمیسیون در جلسه اول به شور نخست گذاشته می‌شود؛ در ادامه مواد در کمیسیون مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در نهایت در جلسه علنی، رسیدگی و تصویب مواد به شور دوم گذاشته می‌شود. خارج شدن بررسی و تصویب طرح‌ها و لوایح از این مسیر عادی، امری استثنایی است که در قوانین کیفری اخیر، از جمله قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، می‌رود که جای اصل را بگیرد. بر اساس مجوز اصل ۸۵ قانون اساسی، خلق قوانین تفویضی باید مبتنی بر وجود ضرورتی باشد. این ضرورت امری استثنایی به‌شمار می‌رود و تجویز آن باید متکی به دلایل قانع‌کننده اجتماعی و سیاسی باشد. قانونی که بر حسب ضرورت و به طور فوق‌العاده به تصویب می‌رسد، اکثراً متناسب با همان اوضاع بحرانی و استثنایی است. بنابراین شایسته نیست که چنین قانونی برای مواقع عادی تجویز شود. هر چند تشخیص ضرورت با خود مجلس است و با تقاضای ۱۵ نفر از نمایندگان، ارجاع طرح یا

لایحه به کمیسیون شکل قانونی به خود می‌گیرد، اما نمی‌توان کنمان کرد که مسامحه در تدوین و تصویب قوانین ثابت و توسل به قوانین مستعجل برای جامعه مشکل‌آفرین و مخرب خواهد بود (همان: ۱۳۶)؛ به ویژه در مواردی که تصمیم گرفته می‌شود تکلیفی مقرر شود و یا دامنه منطقه‌الفراغ محدود گردد، ضروری است که کلیه نمایندگان ملت، حق اظهارنظر داشته و نظر خود را به نمایندگی از آحاد مردم بیان نمایند.

در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیز همانند گذشته، مجلس با ارائه تفسیر موسع از عبارت «ضرورت» (تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۸)، به استناد کثرت اشتغالات و ضیق وقت و تخصصی بودن موضوع، با طرح آن در کمیسیون ویژه و نه صحن علنی مجلس موافقت کرد. به رغم مجوز اصل ۸۵ قانون اساسی برای بررسی و تصویب قوانین در کمیسیون‌های تخصصی، از آنجایی که این قانون مشتمل بر جرم‌انگاری‌های جدید است، تصویب آن در کمیسیون تخصصی غیر مرتبط محل ایراد است؛ زیرا بر اساس این قانون، جرایم جدیدی به لیست پرشمار زرادخانه کیفری اضافه شده که صرفاً موافقت عده اندکی از نمایندگان را که بعضاً تخصص حقوقی نیز ندارند، کسب کرده است. بنابراین، تدابیر کیفری پیش‌بینی شده در این قانون، همراهی و رأی اکثریت نمایندگان مردم را ندارند. علاوه بر این، به دلیل اینکه جلسات کمیسیون برخلاف مذاکرات صحن مجلس به صورت علنی برگزار نشده و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر نشده، امکان اطلاع عموم مردم از مباحث مطرح شده وجود ندارد. لذا برخلاف مواردی که در صورت ابهام قوانین می‌توان با مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس، اراده اصلی مقنن را دریافت (امیدی، ۱۳۸۹: ۲۰۴-۲۰۳)، در این مورد نمی‌توان از این ابزار یاری جست.

ممکن است بیان شود که چون این قانون آزمایشی است، بنابراین در زمان تصمیم‌گیری در مورد دائمی شدن آن، نظر اکثریت نمایندگان مجلس اخذ شده و بر این اساس، ایراد فقدان ویژگی جمعی بودن نظر نمایندگان مجلس مرتفع می‌گردد. با این حال، نگاهی به رویه مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که جزئیات قوانین آزمایشی که در چهارچوب اصل ۸۵ تصویب می‌شوند، حتی پس از اتمام مدت آزمایشی نیز در صحن علنی مجلس مطرح نشده و عموماً مجلس در خصوص دائمی بودن آن رأی‌گیری

می‌کند، بی‌آنکه کلیه مواد را مورد بحث و بررسی قرار دهد و به تأیید اکثریت نمایندگان مجلس برسد؛ همچنان که در مورد قانون آیین دادرسی کیفری نیز بدین گونه عمل گردید (خالقی، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۵/۱). علاوه بر این، بر اساس ماده ۷۳ این قانون، ۷ سال برای اجرای آزمایشی آن تعیین شده است؛ مدتی که بسیار طولانی بوده و چه بسا در این مدت، ابهام‌های زیادی در خصوص مفاهیم ذکرشده در این قانون ایجاد شود. این در حالی است که زمان اجرای قانون آزمایشی نباید آنقدر طولانی شود که هدف اصلی از اجرای آن فراموش شود (عبدالله‌زاده شهربابکی، ۱۳۹۹: ۷۶۵).

## ۲-۱. حقوق کیفری به مثابه اولین راه حل در ناباورمندی قانون‌گذار به

### حداقل‌گرایی در جرم‌انگاری

بر اساس «اصل حداقل بودن حقوق جزا» به عنوان یکی از اصول اساسی حاکم بر حقوق کیفری، چنانچه تنظیم روابط اجتماعی مستلزم مداخله حکومت از طریق قانون‌گذاری باشد، مداخله کیفری که موجب بیشترین تعرض و تعدی به حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌شود، باید به عنوان آخرین راه چاره و در حداقل موارد ضروری صورت گیرد (غلامی، ۱۳۹۱: ۴۵). با وجود این، در نظام کیفری ایران در سال‌های اخیر، باورمندی مقام‌های قضایی و قانون‌گذار به این اصل در مقرره‌هایی همانند بخش‌نامه‌های کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری منحصراً متوجه کاهش، تبدیل و تنصیف کیفر حبس بوده است، بی‌آنکه اصل توسل ابتدایی به کیفر (از هر نوعی) که نتیجه طبیعی جرم‌انگاری است، مورد تردید قرار گیرد و در مرحله وضع قانون، همچنان اعتقاد به حقوق کیفری به عنوان نخستین راه حل بدون خدشه باقی مانده است.

به رغم الزام قانونی پیش‌بینی‌شده در اسناد بالادستی مانند بند ۱۴ سیاست‌های کلی قضایی (۱۳۸۲)، ماده ۱۳۰ قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۸۹) (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۹)، بند ج ماده ۱۱۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه (۱۳۹۶) و بند الف ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۶) که همگی با ادبیات مشابه بر ضرورت کاهش عناوین مجرمانه تأکید کرده‌اند، پیشنهاددهندگان و تصویب‌کنندگان قانون

حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نه تنها در این جهت حرکت نکرده‌اند، بلکه چندین عنوان مجرمانه جدید به مجموعه عناوین کیفری افزوده‌اند. بر اساس این قانون، هر گونه توزیع رایگان یا یارانه‌ای ارقام مرتبط با پیشگیری از بارداری و کار گذاشتن ارقام پیشگیری و تشویق به استفاده از آن‌ها در شبکه بهداشتی درمانی (ماده ۵۱)، عقیم‌سازی دائم زنان یا مردان و یا مواردی که احتمال برگشت‌پذیری در آن‌ها ضعیف یا دشوار است (همانند بستن لوله‌ها) (ماده ۵۲)، هر گونه خرید و فروش و پخش داروهای رایج سقط جنین خارج از سامانه ردیابی و رهگیری فرآورده‌های دارویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نگهداری و حمل داروهای سقط بدون نسخه پزشک (ماده ۵۸)، فعالیت مدیران و عوامل مؤثر در بسترهای مجازی معرفی‌کننده افراد و مراکز مشارکت‌کننده در سقط غیر قانونی (ماده ۵۹)، ارتکاب گسترده جنایت علیه تمامیت جسمانی جنین به قصد نتیجه یا علم به تحقق آن به گونه‌ای که موجب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی جنین‌ها یا مادران در حد وسیع گردد (ماده ۶۰)، فراهم نمودن گسترده دارو، مواد و وسایل سقط غیر قانونی جنین یا معاونت و مباشرت به سقط غیر قانونی جنین به طور وسیع یا فعالیت در چرخه تجارت سقط جنین (تبصره ۲ ماده ۶۱)، استتکاف از اجرای قانون (ماده ۷۱) و اهمال یا ترک فعل یا ممانعت از اجرای احکام قانون (تبصره ۱ ماده ۷۱) جرم‌انگاری شده است.

نگاهی به این عناوین نشان می‌دهد که برخی از جرم‌انگاری‌های این قانون، پیش از این وارد حوزه حقوق کیفری شده و حتی در صورتی که در این قانون به آن اشاره نمی‌شد، از حمایت کیفری برخوردار بود و نقض آن رفتارها ضمانت اجرای کیفری را به دنبال داشت؛ برای نمونه، طبق ماده ۷۱ مستنکفین از اجرای قانون علاوه بر جبران خسارات وارده و اعمال مجازات موضوع ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، به مجازات حبس یا جزای نقدی درجه چهار یا پنج موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. این در حالی است که پیش از این، ماده ۵۷۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، عدم اجرای قوانین مملکتی را جرم‌انگاری کرده است. در کنار این جرم‌انگاری زائد، اتخاذ رویه متفاوت قانون‌گذار در حمایت از اجرای این قانون در مقایسه با سایر قوانین نیز محل پرسش است. به رغم اشتراک موضوعی این دو ماده (استتکاف از اجرای قانون)، مجازات تعیین‌شده در ماده ۷۱



قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در مقایسه با ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی به مراتب شدیدتر است. این تفاوت در کیفرگذاری این سؤال را ایجاد می‌کند که قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، چه خصوصیت متفاوت و شاخصی نسبت به سایر قوانین مملکتی داشته که قانون‌گذار بر آن شده است که مقرره خاصی برای آن وضع کند و مجازات به نسبت شدیدتری برای آن پیش‌بینی نماید.

از سوی دیگر، با وجود توسعه ضمانت اجراهای نوین همانند مجازات‌های جایگزین، سیاست‌گذاران کیفری همچنان به ضمانت اجراهای سنتی گرایش دارند. ترس سیاست‌گذاران از تقبیح اجتماعی و متهم شدن به سستی و کاهلی در مبارزه با جرم، موجب شده است که گرایش به استفاده از سیاست‌های سختگیرانه بیشتر از سیاست‌های ارفاقی باشد. از این رو، تعیین مجازات‌های شدید و تشدید کیفر، جایگاه ویژه‌ای نزد آنان دارد. این در حالی است که اصل کرامت انسانی ایجاد می‌کند در کلیه مجازات‌هایی که مقنن وضع می‌کند، اصل تناسب رعایت شود؛ به گونه‌ای که قضات نتوانند کیفرهای خارج از ضابطه تعیین و اعمال کنند (پیوندی و میرید، ۱۳۹۷: ۱۶۱). تعیین مجازات‌های شدید نه تنها ناقض اصل متناسب بودن جرم و مجازات است، بلکه عملاً مانعی بر سر اجرای آن به حساب می‌آید؛ زیرا همان گونه که سزار بکاریا نیز سال‌ها پیش بیان کرده است:

«کیفر نیافتن خود زاییده بی‌رحمی کیفرهاست. توان انسان‌ها چه برای خوشی و چه برای ناخوشی به حدی محدود است و یک نمایش بیش از حد دردناک برای انسان تنها تظاهر خشمی زودگذر تلقی می‌شود، نه تجلی آن‌چنان نظام پایداری که باید شایسته قوانین باشد» (بکاریا، ۱۴۰۰: ۶۹).

زیرا هنگامی که مجازات شدید و نامتناسب است، قضات غالباً مجبور می‌شوند مجازات نکردن را به جای آن ترجیح دهند (منتسکیو، ۱۳۹۲: ۹۵۰). بنابراین بر خلاف پیش‌فرض‌های برخی سیاست‌گذاران، تعیین مجازات‌های شدید لزوماً به معنای موفقیت در مبارزه با جرم نیست؛ بلکه چنانچه مجازات جرمی شدید و یا نامتناسب باشد، قضات محاکم را به سمت فرار از تطبیق رفتار ارتكابی با عناوین مجرمانه و یا استفاده از نهادهای ارفاقی سوق خواهد داد.

نگاهی به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نشان می‌دهد که سیاست

تعیین مجازات‌های سخت و شدید نیز وجهه همت تدوین‌کنندگان این قانون قرار گرفته است؛ برای نمونه در ماده ۶۱ این قانون و در ادامهٔ سیاستی که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی دنبال شده است، «ارتکاب گسترده جنایت علیه تمامیت جسمانی جنین به قصد نتیجه یا علم به تحقق آن، به گونه‌ای که موجب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی جنین‌ها یا مادران در حد وسیع گردد» را مصداق مفسد فی الارض و مشمول مجازات شدید اعدام دانسته است. افزودن یک مصداق به مصادیق پر شمار افساد فی الارض و به تبع آن تعیین مجازات اعدام برای آن، در حالی صورت گرفته که بر اساس بند ج ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، بر «بازنگری در مصادیق عناوین مجازات‌های سالب حیات با توجه به تغییر شرایط» تأکید گردیده است. این بند بیانگر آن است که در طول برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، کاهش مصادیق مجازات‌های سالب حیات باید سرلوحه قانون‌گذار قرار گیرد. از آنجایی که تغییر و کاهش مصادیق مجازات‌های سالب حیات در جرایم از نوع قصاص و حدود به سختی امکان‌پذیر است، امکان مانور و اقدام صرفاً در مجازات‌های تعزیری وجود دارد. به رغم این امر، ماده ۶۱ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت همانند ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی با حدی‌انگاری جرایم تعزیری، خلاف مبانی جرم‌انگاری جرایم حدی و نیز قواعد فقهی و اصول مسلم حقوق کیفری عمل کرده (عبداللهی، ۱۴۰۰: ۱۴۲-۱۴۳) و موجب شده است رفتاری که صرفاً مجازات حبس تعزیری و دیه دارد، با مجازات شدید اعدام حدی مواجه گردد.

سیاست تشدید قانون‌گذار در توسعه مجازات‌های تکمیلی نیز متجلی شده است. بر اساس ماده ۵۶ این قانون،<sup>۱</sup> ابطال پروانه پزشکی به جمع ضمانت اجراهای موجود، اضافه شده است. هر چند که پیش از این نیز دادگاه می‌توانست در قالب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، ابطال پروانه و منع از اشتغال را در قالب کیفر تکمیلی (تتمیمی) برای پزشکی که بدون مجوز اقدام به سقط جنین می‌کرد، تعیین کند. با این حال، اضافه شدن ذکر ابطال پروانه پزشکی موجب شده که این کیفر از حالت اختیاری به اجباری تبدیل شود.

۱. بر اساس ماده ۵۶: «چنانچه پزشک، ماما یا داروفروش خارج از مراحل این ماده، وسایل سقط جنین را فراهم سازند یا مباشرت به سقط جنین نمایند، علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، پروانه فعالیت ایشان ابطال می‌شود. تحقق این جرم نیازمند تکرار نیست».

از سوی دیگر، این قانون بر خلاف ضوابط مقرر در قوانین عام به صورت نامتناسبی کیفر تبعی را نیز توسعه داده است. نگاهی به سابقه تقنینی کیفرهای تبعی در دوره‌های مختلف قانون‌گذاری نشان می‌دهد که این کیفر نسبت به جرایم عمدی پذیرفته شده است؛ آن‌چنان که مواد ۵۷ و ۵۸ قانون مجازات عمومی (۱۳۵۲) و ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) به صراحت به این نکته اشاره کرده بودند (سلمان‌پور و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۲۶). ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) نیز این رویه را دنبال کرده است. با این حال بر اساس تبصره ماده ۷۱ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت:

«مقامات موضوع ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ چنانچه در اجرای احکام این قانون ناظر بر وظایف خود، اهمال یا ترک فعل یا ممانعت نمایند، علاوه بر مجازات صدر این ماده، به پنج تا پانزده سال محرومیت از حقوق اجتماعی (موضوع ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) محکوم می‌شوند».

در این تبصره، «اهمال» در کنار «ترک فعل» و «ممانعت» ذکر شده است. اهمال مترادف بی‌مبالاتی است؛ بی‌مبالاتی نیز به معنای ترک تکلیفی است که مقتضای پیشگیری از نتایج ناخواسته مجرمانه است. به تعبیر دیگر، بی‌مبالاتی یا اهمال بدین معناست که فرد از انجام دادن فعلی که به جا آوردن آن، شرط احتیاط بوده، خودداری کرده است (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۱۹۱/۱). بر اساس ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی:

«تحقق جرایم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است... تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود».

بنابراین اهمال که در تبصره ۱ ماده ۷۱ به آن اشاره شده، ناظر بر جرایم غیر عمدی است. گرچه مشمولان این ماده اندک بوده و صرفاً رؤسای سه قوه، معاون اول رئیس‌جمهور، نواب رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای نگهبان، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونان رئیس‌جمهور، استانداران و سفرا و معاونان وزرا را شامل می‌شود، اما از جهت اینکه بر خلاف قواعد عام قانون مجازات اسلامی، دامنه کیفرهای تبعی را به جرایم غیر عمدی توسعه داده است، با قوانین پیشین متعارض بوده و بیانگر سیاست سختگیرانه قانون‌گذار است.

### ۳-۱. پیشتازی در کیفرگرایی در فقدان مطالعه تطبیقی تدابیر غیر کیفری

نگاهی به سیاست‌های جمعیتی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که کاهش نرخ رشد جمعیت، یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران بوده است. در راستای این امر، کشورهای مختلف اقدام به تأسیس نهادهای سیاست‌گذار کرده و یا برنامه‌های تشویقی جهت افزایش زاد و ولد در نظر گرفته‌اند؛ برای نمونه در روسیه، کاهش نرخ رشد جمعیت موجب شد که رئیس‌جمهور این کشور در سال ۲۰۰۰ در یک سخنرانی اعلام نماید که چنانچه همچنان شاهد کاهش رشد جمعیت باشیم، آینده روسیه به خطر خواهد افتاد. از این رو از ابتدای همان سال، سیاست‌های تشویقی جهت فرزندآوری وضع شد. همچنین رئیس‌جمهور این کشور، دستور تشکیل «کمیته مسائل اجتماعی جمعیت»<sup>۱</sup> را صادر کرد که هدف اصلی آن، مطالعه و سازماندهی سیاست‌های جمعیتی بود (Jiang et al., 2013: 15-16). کاهش جمعیت در اتحادیه اروپا نیز یکی از مشکلات اصلی این اتحادیه است و از تغییر در رشد حرکت جمعیتی به عنوان یکی از سه چالش فراروی اتحادیه اروپا یاد شده است. از این رو به منظور افزایش زاد و ولد در کشورهای اروپایی، مشوق‌های مختلفی پیش‌بینی شده است؛ برای نمونه در بلژیک، والدینی که اقدام به فرزندآوری کنند، از معافیت مالیاتی بهره‌مند می‌گردند. همچنین به ازای تولد هر فرزند، والدین از کمک هزینه ماهانه بهره‌مند می‌گردند (Sobotka, 2007). در ژاپن نیز که در دهه ۱۹۵۰ سیاست کنترل رشد جمعیت دنبال می‌شد، از سال ۲۰۰۵ به دنبال کاهش شدید رشد جمعیت، سیاست دولت تغییر یافت و سیاست‌های تشویقی دنبال گردید (Ogawa, 2007). کره جنوبی نیز از سال ۱۹۶۰ سیاست کاهش جمعیت را دنبال می‌کرد. با این حال در سال ۲۰۰۵ و به دنبال کاهش جمعیت، «قانون راجع به کاهش باروری و پیری جمعیت»<sup>۲</sup> تصویب شد که بر اساس آن، «کمیته کاهش میزان باروری و پیری جمعیت»<sup>۳</sup> به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شد. این کمیته متشکل از ۲۰ وزیر مرتبط و متخصصان حوزه جمعیت است که هدف آن تدوین سیاست‌ها برای مقابله با

1. Social Population Problems Committee.
2. Laws on Low Fertility and Population Aging.
3. Low Fertility Level and Population Aging Committee.

کاهش نرخ رشد جمعیت است (Cho, 2005).

نگاهی به سیاست‌های مرتبط در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هرچند استفاده از تدابیر کیفی در جهت معکوس، یعنی زمانی که کشور با بحران مولید خارج از توان برای ساماندهی به جمعیت در حال فزونی مواجه می‌شود، فاقد سابقه نیست (برای مثال سیاست‌های کاهش جمعیتی چین<sup>۱</sup>

۱. وضعیت چین در این میان به نوبه خود پدیده‌ای جالب توجه و استثنایی است؛ این کشور در سال ۲۰۱۵ پس از ۴ دهه، سیاست تک‌فرزندی را کنار نهاد؛ سیاستی که پیامدهای منفی زیادی را به بار آورد؛ سیاستی که موجب ایجاد ساختار خانوادگی ۴-۲-۱ شد؛ یعنی خانواده‌ای متشکل از ۴ پدربزرگ و مادربزرگ، ۲ پدر و مادر و یک فرزند. به دلیل ترجیح والدین به داشتن پسر، این برنامه موجب شد که نسبت مردان به زنان ۲۰ به ۱۸ شده و مردان زیادی برای یافتن شریک زندگی دچار مشکل شوند. بر هم خوردن این نسبت موجب شد که نرخ روسپیگری بیشتر شده و به تبع آن، آمار ابتلا به بیماری‌های مقاربتی نیز فزونی یابد. افزون بر این، مواردی از ربودن دختران از کشورهای همسایه و انتقال آن‌ها به چین برای ازدواج و رابطه جنسی نیز گزارش گردید. افزایش آمار توریسم تولد نیز یکی دیگر از نتایج ناخواسته سیاست تک‌فرزندی بود؛ بدین معنا که والدین برای فرار از جریمه شدن، برای تولد فرزندان دوم به بعد به کشورهای دیگر مانند آمریکا و هنگ کنگ مسافرت کرده و فرزند خود را در آنجا به دنیا می‌آوردند. افزایش آمار تولدهای ثبت نشده نیز یکی دیگر از نتایج این سیاست بود. سیاست تک‌فرزندی ابتدا رویکرد تشویقی داشت و به خانواده‌هایی که از آن تبعیت می‌کردند، گواهی اعطا می‌شد که بر اساس آن، افراد مستحق دریافت یارانه می‌شدند، حق دسترسی به مهد کودک‌های عمومی را داشتند و از کمک‌هزینه‌های پزشکی و نیز غذای اضافی بهره‌مند می‌شدند (Abrahamson, 2016: 326-327). بر اساس این برنامه، در مواردی استثنائاتی جهت تولد فرزند دوم در نظر گرفته شده بود؛ برای مثال، اگر فردی در روستا زندگی می‌کرد و فرزند اول دختر می‌بود، در ازای پرداخت ۴۰۰۰ یوان می‌توانست فرزند دوم داشته باشد. همچنین اگر فرزند متولد شده معلول می‌بود، اجازه بارداری برای بار دوم داده می‌شد. گرچه روش اجرای این برنامه از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت می‌کرد، اما برخی شیوه‌نامه‌های ملی درباره نحوه بارداری صادر شده بود؛ از جمله اینکه در دهه ۸۰ مقرر شده بود که زوجین قبل از بارداری باید برای مجوز اقدام کنند و چه بسا ممکن بود که مدت‌ها منتظر اخذ مجوز باشند. هدف این برنامه آن بود که همزمان تعداد زیادی نوزاد متولد نشوند. همچنین مقرر شده بود که چنانچه زنانی صاحب فرزند شدند، ملزم هستند وسایل پیشگیری را داخل رحم قرار دهند و یا در مواردی، عقیم‌سازی اجباری پیش‌بینی شده بود. حتی در مواردی، زنانی که بدون مجوز اقدام به حاملگی می‌کردند، مجبور به سقط جنین می‌شدند؛ حتی اگر حاملگی در ماه نهم می‌بود. چنانچه زنانی بارداری غیر برنامه‌ریزی شده می‌داشتند، یکی از زوجین عقیم می‌شد. تخمین زده می‌شود که بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴، بیش از ۳۱ میلیون زن و ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار مرد عقیم شده باشند. از سال ۲۰۰۱ به منظور تبعیت از سیاست تک‌فرزندی، ضمانت اجرای متفاوتی پیش‌بینی شد. جزای نقدی، محرومیت از بهره‌مندی از مزایا، تنزل پست و مقام اداری و اخراج از محل کار، از جمله این ضمانت اجراها بود (Skalla, 2004: 330-363).

و هند<sup>۱</sup> که در مقاطعی رنگ و بوی کیفری نیز به خود گرفته است)، ولی راه حل دستیابی به افزایش جمعیت همواره و در تمامی نظام‌های کیفری از رهگذر تدابیر تشویقی و یا حداکثر محرومیت‌های رفاهی غیر کیفری دنبال می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که وضع ضمانت اجرای کیفری با ماهیت فرزندآوری و افزایش جمعیت سازگاری ندارد و توسل به تدابیر کیفری در جهت افزایش جمعیت در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در حالی صورت می‌گیرد که فاقد سابقه تقنینی در دنیاست.

## ۲. آسیب‌پذیری قانون در مرحله اجرا؛ ناکارآمدی و بی‌اثر شدن

### ضمانت اجرای قانونی

نگاهی به تدابیر کیفری قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نشانگر این است که اجرای ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در این قانون در عمل با مشکلاتی مواجه خواهد شد. این مشکلات گاهی ناشی از استفاده از عبارات و اصطلاحات مبهم به کاررفته در قانون است؛ به گونه‌ای که برای یک رفتار جرم‌انگاری شده، طیف گسترده‌ای از مجازات‌ها پیش‌بینی شده است. علاوه بر این، در تعیین ضمانت اجرای اشخاص حقوقی توجه کافی صورت نگرفته است. این ایرادها و ابهام‌ها به گونه‌ای است که در عمل زمینه تفسیرهای متفاوت را ایجاد خواهد کرد و چه بسا موجب ورود

۱. هند نیز از جمله کشورهایی است که از دهه ۱۹۶۰ سیاست کنترل جمعیت را اجرا کرد. در ابتدا تدابیری مانند پرداخت تشویقی به عقیم‌سازی اختیاری، قانونی شدن سقط جنین، پرداخت یارانه به داروهای ضدبارداری و مشوق‌های اقتصادی برای خانواده‌هایی که تعداد اعضای خانواده خود را محدود می‌کردند، اجرا شد (Samuel, 1966: 55-56). با این حال در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ سیاست‌های شدیدتری در خصوص کنترل جمعیت اجرا شد. در این دوره بیان شد که چنانچه هر یک از کارمندان دولت بعد از سپتامبر ۱۹۷۷ صاحب فرزند چهارم شود، از کار اخراج خواهد شد. سیاست عقیم‌سازی اجباری یکی دیگر از سیاست‌هایی بود که در این دوره دنبال گردید؛ سیاستی که موجب شد برخی افراد به دلیل ترس از عقیم‌سازی، از حضور در مراکز بهداشتی خودداری کنند. تخمین زده می‌شود که صرفاً در سال ۱۹۷۶، ۷ میلیون نفر تحت این برنامه عقیم شده باشند. این سیاست گاهی با واکنش مردم نیز مواجه می‌شد؛ به گونه‌ای که در یک مورد در مظفرنگار (ناحیه‌ای در شمال غرب هند)، ده‌ها معترض سیاست عقیم‌سازی اجباری، توسط پلیس کشته شدند؛ هرچند با برگزاری انتخابات پارلمان و تغییر نخست‌وزیر، این سیاست کنار نهاده شد (Brown, 1984: 50).

قانون‌گذار و یا هیئت عمومی دیوان عالی کشور جهت رفع ابهام‌های احتمالی شود.

## ۱-۲. ابهام در نوع و میزان ضمانت اجراها؛ نقض شفافیت، دقت و قابلیت

### پیش‌بینی

هرچند در دو سده اخیر، از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق کیفری یاد می‌شود، ولی ملاحظات حقوق بشری موجب شده که این اصل مترقی‌تر شود و از اصل کیفی بودن قوانین کیفری صحبت به عمل آید. اصل کیفی بودن، تکامل یافته اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست؛ بدین معنا که صرف جرم‌انگاری و تصریح به یک جرم در قانون کفایت نمی‌کند، بلکه قانون باید از ویژگی‌های شفافیت، دقت و صراحت، قابلیت دسترسی و قابل پیش‌بینی بودن آثار و نتایج نیز برخوردار باشد (دلماز مارتی، ۱۳۹۸: ۴۶۰).<sup>۱</sup> استفاده از الفاظ و عبارات موسع و دارای معانی، مفاهیم و حتی کاربردهای متنوع و یا قابل اطلاق بر وضعیت یا رفتارهای متعدد نه تنها موجب ابهام یک ماده قانونی می‌شود، بلکه موجب وهن قانون، تقنین و حکومت در معنای عام شده، و اجرا و احساس عدالت را نیز به مخاطره می‌اندازد (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸۹). علاوه بر این، استفاده از الفاظ مبهم زمینه جرم‌انگاری تهاجمی یا توسعه‌گرایانه را فراهم می‌سازد. استفاده از الفاظ مبهم، این اجازه را به مجریان قانون می‌دهد تا با توجه به ابهام قانون، برداشت خود را در تطابق ماده قانونی مورد عمل قرار دهند (مجیدی، ۱۳۹۶: ۲۶۶).

۱. ریشه طرح اصل کیفی بودن را می‌توان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر جست‌وجو کرد؛ آنجا که این دیوان تلاش نمود با استنباط خود از اصول کلی حقوقی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نظام‌های حقوقی نوشته و نانوشته را به یکدیگر نزدیک کند. این دیوان در دهه ۱۹۸۰ به مناسبت رسیدگی به شکایات مطرح‌شده علیه انگلستان و فرانسه اعلام کرد که اصطلاح قانون را باید در فضای مادی آن و نه در معنای شکلی‌اش تفسیر کرد. در واقع هرچند در حقوق نوشته، اصل قانونی بودن جرم و مجازات آثاری مانند عطف به ماسبق نشدن و تفسیر مضیق قوانین را به دنبال دارد، ولی در حقوق کامن‌لا، اصل قضایی بودن جرایم و مجازات‌ها وجود دارد؛ یعنی حکم قاضی انگلیسی به لحاظ اعتباری که دارد و کلیه احتیاط‌هایی که برای صدور حکم انجام می‌دهد، دست‌کمی از قانون ندارد. دیوان با تلفیق این دو ویژگی، اصل کیفیت قوانین را مطرح کرد؛ بدین معنا که قانون باید کیفیت داشته باشد. به تعبیر دیگر، قانون به لحاظ کیفیت باید جلو خودسری و خودکامگی قضات را (به ویژه در نظام‌های نانوشته) بگیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۷۳۱-۷۳۲).

به رغم این ضرورت‌ها، نگاهی به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نشان می‌دهد که این شرط اساسی در تدوین تدابیر کیفری این قانون مدنظر قرار نگرفته و از عبارات مبهمی استفاده شده که نه تنها موجب سردرگمی شهروندان می‌شود، بلکه در اجرا نیز مجریان قانون را با مشکل مواجه می‌کند. این ابهام حتی در عنوان اتخاذی نیز مشهود است؛ به گونه‌ای که آن را در بیان محتوای قانون ناکارآمد کرده است. در وضعیت کنونی، دو قانون حمایت از خانواده در مجموعه قوانین موضوعه با اندک تفاوتی در عنوان موجود است. نخست قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) که با محوریت موضوعات حقوقی مطرح در جریان رسیدگی به دعاوی خانوادگی وضع شده و ضمن آن، یک فصل (هفتم) به مقررات کیفری و جرم‌انگاری اختصاص پیدا کرده است؛ دوم قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰) که پیرامون حمایت از فرزندآوری و مقابله با کاهش جمعیت شکل گرفته است. به عبارت دیگر، حمایت از خانواده از نظر قانون‌گذار، گاهی با آن قانون و گاه دیگر با این قانون تأمین می‌شود. این در حالی است که مقررات هر مجموعه قانونی باید محدود به قلمرو همان قانون باشد، وگرنه آن قانون ابهام‌آمیز خواهد شد؛ زیرا از یکسو مقرره موجود همچنان قانون است و باید قابل اجرا باشد و از سوی دیگر، مقرره مذکور در حوزه و قلمرو غیر تخصصی انشاء شده است. این امر علاوه بر اینکه منجر به ضعف قانون خواهد شد، ممکن است با متون قانون حوزه دیگر همخوانی نداشته باشد (مؤذن‌زادگان و رهدارپور، ۱۳۹۷: ۲۱۳). در عین حال، از آنجایی که شهروندان برای اطلاع از موارد ممنوعه به قوانین عام جزایی مراجعه می‌کنند، پیش‌بینی جرم‌انگاری‌های جدید در قانون خاص که سختی با سایر مباحث ذکرشده در قانون ندارد، مخالف اصل شفافیت قوانین که از ملزومات اساسی اصل کیفی بودن قوانین کیفری است، می‌باشد (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۸: ۴۶۰).

علاوه بر این، ماده ۶۱ این قانون از الفاظ مبهمی مانند «گسترده»، «عمده» و «وسیع» استفاده کرده است. این عبارات موجب می‌شود که برای شهروندان و مقامات قضایی مشخص نباشد که ارتکاب چه عملی می‌تواند مشمول قید «گسترده»، «عمده» و «وسیع» باشد. با توجه به این قیود، تبعات و آثار آن نیز قابل پیش‌بینی نیست؛ زیرا اگر قید «گسترده» محقق شود، مرتکب مستحق اعدام بوده و اگر احراز نشود، به حبس محکوم می‌شود



(هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۴۲). در واقع، ایراد اساسی که بر عنوان افساد فی الارض وارد است این است که هیچ معیاری برای شناسایی قیود گسترده، وسیع و عمده ارائه نشده و احراز آن با قاضی است؛ آنچنان که اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۸۴۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۰۷ تشخیص مصادیق منطبق با قید «عمده» را بر عهده قاضی رسیدگی کننده دانسته است. بی شک این رویکرد پذیرفتنی نیست؛ زیرا تفسیر قضاوت در این زمینه بسیار متفاوت است و نباید جان انسان‌ها را در گرو تشخیص شخصی قضاوت قرار داد (برهانی، ۱۳۹۴: ۳۹).

افزون بر این، بر اساس ماده ۵۸ این قانون:

«توزیع داروهای رایج در سقط جنین فقط برای عرضه مراکز درمانی بیمارستانی دارای مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در داروخانه‌های آنها مجاز است. هر گونه خرید، فروش و پخش داروهای مذکور خارج از سامانه ردیابی و رهگیری فرآورده‌های دارویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نگهداری و حمل این داروها بدون نسخه پزشک جرم است و مشمول مجازات‌های تعزیری درجه سه تا شش موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ می‌شود».

در خصوص مجازات این ماده، ابهام‌های متعددی مطرح است:

نخست اینکه نگاهی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی در درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری نشان می‌دهد که تفاوت زیادی میان کمیت این دو درجه وجود دارد. بنابراین عملاً بین حداقل مجازات احتمالی (شش ماه) و حداکثر آن (پانزده سال) فاصله زیادی بوده و باز گذاشتن دست قاضی در تعیین مجازات در بازه اقل و اکثر، راه هر گونه سوءاستفاده احتمالی را باز می‌گذارد. این در حالی است که اختیارات گسترده قضاوت در تعیین و صدور کیفر را می‌توان به عنوان نفی جزئی اصل قانونمندی تحلیل کرد (لازرز، ۱۴۰۰: ۱۰۶).

دوم اینکه این ماده از واژه «مجازات‌های تعزیری درجه سه تا شش» استفاده کرده است. نگاهی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که مجازات‌های این درجات، مشتمل بر طیف گوناگونی از ضمانت اجراهاست. حبس، جزای نقدی،

انفصال دائم، محرومیت از حقوق اجتماعی، شلاق و انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها، ضمانت اجراهایی هستند که مدت، مبلغ و تعداد هر یک از آن‌ها با توجه به درجه مجازات متغیر است. ابهامی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که کدام یک از این مجازات‌ها در مورد ماده ۵۸ اجرا می‌شود؟ آیا واژه «مشمول مجازات‌های تعزیری» بدین معناست که کلیه این مجازات‌ها اجرا می‌شوند؟ یا اینکه هر یک از این مجازات‌ها قابل اعمال نسبت به رفتار ارتكابی است، ولی دادگاه در انتخاب هر یک از آن‌ها مختار است؟ یقیناً تفسیر اول موجب می‌شود که مجازات‌های بسیار شدید بر رفتاری اعمال شود که نتایج زیانبار زیادی را ندارد و با اصل تناسب جرم و مجازات متعارض است. با این حال، انتخاب تفسیر دوم با ظاهر ماده متعارض است؛ زیرا این ماده از واژه جمع «مجازات‌ها» استفاده کرده و این امر مؤید وجود چند مجازات است.

این ابهام با شدت کمتر در ماده ۶۰ مشاهده می‌شود. نگاهی به مجازات درجه پنج نشان می‌دهد که حبس بیش از دو تا پنج سال، جزای نقدی بیش از ۲۴۰ میلیون تا ۵۰۰ میلیون ریال و محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال، مجازات‌هایی هستند که نسبت به اشخاص حقیقی قابل اعمال هستند. حال با توجه به اینکه در ماده ۶۰ از واژه «مجازات تعزیری درجه پنج» استفاده شده، منظور کدام قسم از مجازات است؟ همین امر در مورد تبصره ۲ ماده ۶۱ نیز صادق است. مجازات درجه دو نیز شامل حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال و جزای نقدی بیش از ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تا ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال است. آیا هر دو قسم مجازات اعمال می‌شود و یا اینکه دادگاه در انتخاب یکی از آن دو مختار است؟ این در حالی است که در سایر

۱. بر اساس ماده ۶۰: «فعالیت مدیران و عوامل مؤثر در بسترهای مجازای معرفی‌کننده افراد و مراکز مشارکت‌کننده در سقط غیر قانونی جنین ممنوع است و حسب مورد، متخلفان از این حکم علاوه بر مجازات تعزیری درجه پنج موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عواید حاصل از ارتکاب جرم محکوم می‌شوند».
۲. بر اساس تبصره ۲ ماده ۶۱: «هر کس به هر عنوان به طور گسترده، دارو، مواد و وسایل سقط غیر قانونی جنین را فراهم و یا معاونت و مباشرت به سقط غیر قانونی جنین به طور وسیع نماید و یا در چرخه تجارت سقط جنین فعال و یا مؤثر باشد، در صورتی که مشمول حکم این ماده نباشد، علاوه بر مجازات تعزیری درجه دو به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عواید حاصل از ارتکاب جرم محکوم می‌گردد».

موارد مانند تبصره ۱ ماده ۶۱<sup>۱</sup> به صراحت یکی از اقسام ضمانت اجراها ذکر شده و یا اینکه دادگاه در انتخاب یک گونه از میان دو قسم مجازات مختار شده است. همچنین ماده ۷۱ دادگاه را مختار کرده که از میان مجازات حبس یا جزای نقدی درجه چهار یا پنج، یک مجازات را برای مستنکفان از اجرای این قانون تعیین کند. تطبیق این مواد با مواد قبلی، رویه غالب قانون‌گذار در سایر قوانین در انتخاب و اولویت دادن مجازات حبس بر سایر اقسام مجازات‌ها و نیز تأکید تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اینکه در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است، این برداشت را تقویت می‌کند که مراد قانون‌گذار در مواد ۵۸، ۶۰ و تبصره ۲ ماده ۶۱ از واژگان «مجازات‌ها» و «مجازات» تعزیری، حبس مذکور در هر یک از درجات بوده و نه کلیه و یا بخشی از اقسام مجازات‌ها.

همین ایراد در ارجاع مطلق به مجازات موضوع ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که در ماده ۷۱ بیان شده است نیز مشاهده می‌شود. به رغم اینکه ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، طیف متنوعی از ضمانت اجراهای اخطار کتبی، توبیخ کتبی، کسر حقوق و مزایا، انفصال موقت، بازخرید خدمت، بازنشستگی پیش از موعد، اخراج از محل خدمت و انفصال دائم از خدمات دولتی را بیان کرده است، ولی ماده ۷۱ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به صورت مطلق از «اعمال مجازات موضوع ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری» صحبت به میان آورده است. بنابراین عدم تعیین دقیق نوع ضمانت اجرا می‌تواند به استفاده نادرست و به ناحق دادگاه و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری از اختیار خود در تعیین حداقل و حداکثر مجازات و در نتیجه به رعایت نشدن اصل تناسب منجر شود (نکوئی، ۱۳۹۹: ۲۵۵). از این رو چه بسا هیئت‌ها بتوانند برای استنکاف از یک حکم کوچک این قانون، شدیدترین مجازات را تعیین و اعمال کنند.

۱. بر اساس تبصره ۱ ماده ۶۱: «هر گاه دادگاه از مجموعه ادله و شواهد، قصد ایراد خسارت عمده در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود».

ابهام در ماده ۶۰ این قانون نیز مشاهده می‌شود. فارغ از ایرادهای عبارتی و نگارشی که در این ماده وجود داشته و فهم مراد قانون‌گذار را بسیار مشکل ساخته است، مشخص نیست که واژه «عوامل مؤثر»، ناظر به چه فرد یا افرادی است؟ آیا مراد، طراحان، برنامه‌نویسان و ایجادکنندگان بسترهای مجازی هستند و یا مراد افرادی هستند که محتوا و موضوع این بسترهای مجازی را تولید کرده و به نوعی برنامه‌ساز و تولیدکننده محتوای این بسترها هستند؟

مشابه این مورد در تبصره ۲ ماده ۲۶۱ نیز مشاهده می‌شود. عبارت «چرخه تجارت» در این تبصره، واژه عامی بوده که ممکن است عده زیادی را در بر گیرد. با توجه به این واژه عام، حتی راننده‌ای که به طور مداوم دارو و وسایل سقط جنین را حمل می‌کند و یا حتی منشی و یا حسابداری که در مرکز سقط جنین غیر قانونی فعالیت می‌کند نیز می‌تواند مشمول این ماده قرار گیرد.

یکی دیگر از ابهام‌هایی که با تصویب این قانون ایجاد شده، قابل گذشت بودن یا نبودن جرم سقط جنین است. تا پیش از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹)، کلیه اقسام سقط جنین غیر قابل گذشت بودند؛ اما در جریان توسعه جرائم قابل گذشت به موجب اصلاحیه ماده ۱۰۴ در قانون اخیرالذکر (روستائی و رحمانیان، ۱۴۰۰: ۱۶۱-۱۸۴)، سقط جنین به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله (جرم موضوع ماده ۶۲۲)، در شمار جرائم قابل گذشت قرار گرفت. در عین حال طبق صدر ماده ۵۶ قانون اخیرالتصویب، سقط جنین ممنوع بوده و از جرائم دارای جنبه عمومی است. تأکید قانون‌گذار بر جنبه عمومی جرم، با توجه به اینکه کلیه جرائم دارای جنبه عمومی هستند و جرم اساساً یک خطای عمومی است و اگر نبود، جرم‌انگاری نمی‌شد، ظاهراً اشاره به

۱. بر اساس ماده ۶۰: «فعالیت مدیران و عوامل مؤثر در بسترهای مجازی معرفی‌کننده افراد و مراکز مشارکت‌کننده در سقط غیر قانونی جنین ممنوع است و حسب مورد، متخلفان از این حکم علاوه بر مجازات تعزیری درجه پنج موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عواید حاصل از ارتکاب جرم محکوم می‌شوند».
۲. بر اساس قسمت پایانی تبصره ۲ ماده ۶۱: «هر کس... در چرخه تجارت سقط جنین، فعال و یا مؤثر باشد... علاوه بر مجازات تعزیری درجه دو، به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عواید حاصل از ارتکاب جرم محکوم می‌گردد».

غیر قابل گذشت بودن این جرم دارد. تغییر رویکرد قانون‌گذار در خصوص غیر قابل گذشت بودن این جرم در فاصله اندکی پس از قابل گذشت اعلام کردن آن، این سؤال را مطرح می‌سازد که چه چیزی موجب شد که در سال ۱۳۹۹، یکی از اقسام سقط جنین در شمار جرایم قابل گذشت قرار گیرد و به فاصله یک سال، کلیه اقسام سقط به صورت عام غیر قابل گذشت اعلام شود؟ هرچند ممکن است گفته شود که ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، منصرف از ماده ۶۲۲ قانون تعزیرات بوده و صرفاً به مواد ۶۲۳ و ۶۲۴ قانون تعزیرات و جرم‌انگاری‌های مرتبط با سقط جنین در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت اشاره می‌کند، ولی با این حال با توجه به اطلاق سقط جنین در صدر ماده ۵۶ این قانون، کلیه اقسام سقط جنین جنایی از جمله ماده ۶۲۲ قانون تعزیرات را نیز در بر می‌گیرد. پاسخ احتمالی به این تلون مزاج قانون‌گذار، رویکردهای صرف مدیریتی و ابزارگرایانه به جرم‌انگاری و کیفر است؛ زمانی هدف، کاستن از تعداد مجازات‌های حبس و جمعیت کیفری زندان‌هاست و زمان دیگر، افزایش موالید و جمعیت. در این میان، این هدف است که وسیله را توجیه می‌کند و نمی‌توان به دنبال تبیین‌های جرم‌شناسانه و یا توجیهاات اصولی برای اقدام قانون‌گذار بود.

## ۲-۲. ناهمسویی مسئولیت کیفری و مجازات اشخاص حقوقی با قواعد

### عمومی مسئولیت و مجازات

یکی از مواردی که توجه به آن در زمان قانون‌گذاری، بیانگر دوراندیشی قانون‌گذار است، قابلیت اجرای قانون است. چنانچه قانون از لحاظ عملی قابل اجرا نبوده و یا اجرای آن به سختی ممکن باشد، موجب می‌شود که اعتبار آن کم شده و یا بی‌ارزش گردد و به تبع آن از اعتبار قانون‌گذار نیز کاسته شود. عدم دقت در مداخله کیفری، موجب کند شدن شمشیر بُرنده و مؤثر حقوق جزا خواهد شد؛ به نحوی که امکان صحیح حمایت از ارزش‌های اساسی و حیاتی جامعه را هم از آن سلب خواهد کرد (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۲۶). نگاهی به ضمانت اجرای تبصره ۴ ماده ۷۱ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نشان می‌دهد که اجرای آن از لحاظ عملی با چالش‌های اساسی روبه‌روست. بر اساس مواد ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت

کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده و میزان مجازات آن‌ها نیز تعیین شده است (شریفی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۵۹). به رغم این امر، تبصره ۴ ماده ۷۱ به صورت عام، کیفر ابطال موقت پروانه فعالیت را برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. از این رو می‌توان گفت که مجازات جدیدی به جمع هفت مجازات اشخاص حقوقی موضوع ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، افزوده شده است. بر اساس این تبصره:

«اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع ماده فوق، علاوه بر مجازات صدر ماده، به ابطال موقت پروانه مرتبط با جرم بین سه تا پنج سال توسط دادگاه نیز محکوم خواهند شد».

بر اساس صدر ماده ۷۱، این ضمانت اجرا ناظر بر «مستکفین از اجرای این قانون» است. دقت در مواد مختلف این قانون نشان می‌دهد که غالب تکالیف ذکر شده در این قانون، ناظر بر نهادها و دستگاه‌های دولتی است. تکلیف وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه دولت به تهیه دستورالعمل‌های مرتبط با خانواده، فرزندآوری و جمعیت (ماده ۲)، تکلیف وزارت راه و شهرسازی به فراهم‌سازی امکان استفاده مجدد از امکانات دولتی مربوط به تأمین مسکن برای خانواده‌ها پس از تولد فرزند سوم (ماده ۳)، تکلیف دستگاه‌های اجرایی به تخفیف هزینه انشعابات (ماده ۵)، تکلیف دانشگاه‌ها به هزینه کرد ده درصد از درآمد اختصاصی برای احداث خوابگاه‌های متاهلان (ماده ۷)، تکلیف مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه به پرداخت ودیعه مسکن به طلاب متأهل (ماده ۸)، تکلیف بانک مرکزی به ارائه تسهیلات مسکن (ماده ۹)، تکلیف سازمان هدفمندی یارانه‌ها به افزایش یارانه فرزندان خانواده‌های دهک‌های اول تا چهارم دارای حداقل سه فرزند (ماده ۱۳)، تکلیف کلیه دستگاه‌های دولتی به تشویق کارکنانی که ازدواج کرده یا دارای فرزند شده‌اند (ماده ۲۰)، تکلیف سازمان ثبت احوال به ایجاد سامانه برخط برای معرفی و صدور شناسنامه ویژه برای مادران دارای سه فرزند (ماده ۲۵)، تکلیف دانشگاه‌ها به اعطای مرخصی در ایام حاملگی و پس از آن (ماده ۲۶) و تکلیف سازمان صدا و سیما به تولید برنامه‌های آموزشی در خصوص ترویج فرزندآوری (ماده ۲۸)، تنها بخش کوچکی از تکالیفی است که این قانون بر عهده دستگاه‌های دولتی نهاده است. هرچند در کنار این موارد، تکالیفی برای اشخاص حقوقی خصوصی نیز تعیین شده است. الزام دفاتر ثبت ازدواج به دریافت گواهی دوره‌های آموزشی حین ازدواج (تبصره

ماده ۳۸)، تکلیف شرکت‌های خودروسازی به تحویل یک خودروی ایرانی پس از تولد فرزند دوم به مادر (ماده ۱۲) و ممنوعیت ارائه داروهای جلوگیری از بارداری در داروخانه‌ها (تبصره ماده ۵۱)، از جمله این موارد است. از تبصره ۴ ماده ۷۱ چنین برداشت می‌شود که چنانچه هر یک از اشخاص حقوقی (اعم از دولتی و خصوصی) تکالیف مقرر در این قانون را انجام ندهند، پروانه آن‌ها به صورت موقت باطل می‌شود. برخلاف تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی که تصریح کرده مجازات‌ها در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود، در این ماده چنین قیدی نیامده است. چنانچه این تبصره اجرا شود، یقیناً بخش زیادی از دولت تعطیل شده و یا دچار چالش می‌گردد. از سوی دیگر، دستگاه‌ها و نهادهای دولتی که این تکالیف برای آنان تعیین شده، بر اساس قوانین و مقررات مختلف و نه صدور پروانه تشکیل شده‌اند تا در صورت استنکاف از اجرای این قانون، پروانه آن‌ها ابطال گردد. بنابراین استفاده از عبارت ابطال پروانه شاید نسبت به آن‌ها موضوعیت نداشته باشد. از این رو شاید بتوان گفت که این ضمانت اجرا صرفاً ناظر بر اشخاص حقوقی خصوصی مانند دفاتر ثبت ازدواج، داروخانه‌ها و آزمایشگاه‌هاست که در این قانون تکالیفی برای آنان تعیین شده است. گرچه این تفسیر از لحاظ اجرایی پذیرفتنی‌تر است، ولی با اطلاق صدر ماده ۷۱ متعارض است. از این رو شایسته بود که با استفاده از عبارت «اشخاص حقوقی خصوصی»، دامنه شمول این ضمانت اجرا مقید و محدود می‌گردید.

### نتیجه‌گیری

مطالعه جریان‌های جمعیتی در دوره‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد که کاهش یا افزایش جمعیت، ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. پایداری و رفاه اقتصادی، میزان خوش‌بینی و امید به آینده و سبک زندگی، از جمله مهم‌ترین عوامل هستند. بر این اساس، موفقیت در تغییر جریان روند کاهش جمعیت، مستلزم تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف است. به رغم هدف مطلوب قانون‌گذار در تدوین قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نگاهی به مواد مختلف این قانون نشان می‌دهد که دغدغه‌های متخصصان برخی از حوزه‌ها مغفول مانده است؛ برای مثال، نگرانی متخصصان

بهداشت و درمان در زمینه افزایش آمار تولد نوزادان غیر سالم و افزایش آمار بیماری‌های آمیزشی مانند ایدز در اثر تغییر در ضوابط غربالگری و ارائه وسایل پیشگیری از بارداری، از جمله این موارد است. این محدودیت‌ها از منظر جامعه‌شناسی نیز می‌تواند نگرانی‌هایی را به دنبال داشته باشد. حذف دسترسی رایگان به وسایل کنترل بارداری در خانه‌های بهداشت روستایی و تشویق به افزایش جمعیت با حمایت‌های مالی وعده داده‌شده هرچند اندک، می‌تواند موجب افزایش جمعیت غیر برخوردار در این مناطق شود و در نتیجه بر جمعیت مستمند بیفزاید و عملاً توزیع جمعیتی را از وضع کنونی غیر موزون‌تر سازد.

نگاهی دقیق‌تر به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نشان می‌دهد که سیاست‌های تنبیهی این قانون، سه دسته رفتارها را در بر می‌گیرد: نخست اعمالی که ارتباطی به سقط جنین نداشته و تنها می‌تواند مانعی برای فرزندآوری باشد که در این راستا تدابیر ممنوع و محدودکننده دسترسی به وسایل و اعمال جراحی سرپایی پیشگیری از بارداری را می‌توان نام برد (ماده ۵۱ و تبصره آن؛ ماده ۵۲). دسته دوم سقط جنین بدون وجود هیچ‌گونه توجیه پزشکی و یا ضرورت اجتناب‌ناپذیر که قانون‌گذار در آن، اقدام به تشدید مجازات و وضع جرایم جدید مرتبط با آن نموده است (ماده ۵۶). دسته سوم اقداماتی که می‌تواند سقط جنین را به عنوان پیامد احتمالی خود به همراه داشته باشد؛ اما هدف اصلی و اولیه از انجام آن‌ها سقط جنین نیست، بلکه بررسی وضعیت سلامتی جنین است، مانند غربالگری‌های دوران بارداری که در قانون مذکور، محدودیت‌هایی را مستقیم یا غیر مستقیم و از طریق حذف حمایت‌های بیمه‌ای از هزینه‌های آن، بر آن بار کرده است (ماده ۵۳).

در این قانون نیز همانند بسیاری از قوانین خاص دیگر، قانون‌گذار به سازوکارهای کیفری توجه ویژه‌ای داشته است. جرم‌انگاری‌های جدید، تشدید مجازات جرایم سابق و ورود ضابطان خاص مانند وزارت اطلاعات به حوزه مقابله با رفتارهای ممنوع اعلام‌شده، از جمله این موارد است. این اقدامات در حالی صورت گرفته که کاهش عناوین مجرمانه و استفاده از سازوکارهای غیر کیفری، یکی از اولویت‌های اسناد بالادستی بوده است. از سوی دیگر، توسل فراوان این قانون به استفاده از مجازات حبس به ویژه تعیین حبس‌های طولانی‌مدت، با سیاست حبس‌زدایی که در سال‌های اخیر از طرف



دستگاه قضایی دنبال می‌شود، مابینت دارد. عدم توجه به اصل شفافیت قوانین و اجتناب از قانون‌گذاری مبهم، موجب شده که ابهام‌های اساسی در مورد میزان مجازات رفتارهای جرم‌انگاری شده ایجاد گردد.

هرچند این قانون جزء قوانین آزمایشی است و می‌توان امید داشت که در طول دوره آزمایشی، ایرادهای آن شناسایی شده و در پایان دوره آزمایشی جهت رفع آن‌ها اقدام گردد، ولی از آنجایی که ایرادهای اساسی به مداخلات کیفری این قانون وارد است، پیشنهاد می‌شود که حتی قبل از پایان دوره آزمایشی، تدابیر کیفری این قانون بازبینی شده و ایرادهای آن برطرف گردد. از این رو، اقدامات زیر جهت اصلاح این قانون پیشنهاد می‌شود:

ابتدا لازم است ارزیابی دقیقی در زمینه اثربخشی تدابیر کیفری پیش‌بینی شده در این قانون صورت گیرد. صرفاً در صورت اثبات کارآمدی سازوکارها و ضرورت جرم‌انگاری این رفتارها، مداخله کیفری صورت گیرد. در این راستا ضروری است بررسی دقیقی صورت گیرد که آیا در صورت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و غیر کیفری، اصولاً ضرورتی به جرم‌انگاری جدید هست یا خیر؟ همچنین باید بررسی شود که آیا نمی‌توان به جای توسل به مجازات از طریق تدابیر ترمیمی، انتظامی و انضباطی، مانع وقوع رفتارهای ممنوعه پیش‌بینی شده در این قانون شد؟

از آنجایی که تدوین‌کنندگان این قانون، هدف خود را حمایت از خانواده بیان کرده‌اند، آن‌چنان که در عنوان قانون نیز آمده است، ضروری است تدابیر کیفری که سختی با سایر بخش‌های این قانون ندارند، از متن قانون حذف شوند. در صورت اثبات ضرورت و اثربخشی جرم‌انگاری این رفتارها، پیشنهاد می‌شود که مواد جزایی این قانون پس از طرح و تصویب در صحن علنی مجلس شورای اسلامی در قالب مواد مکرر به قانون مجازات اسلامی اضافه شده و در ادامه مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ فصل پنجم قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) بیان گردند.

از آنجایی که نوع و تعداد ضمانت اجرای این قانون با ابهام‌های اساسی مواجه است، ضروری است که در زمان تعیین مجازات، مواد ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی مدنظر قرار گرفته و با لحاظ این مواد، ضمانت اجراها تعیین گردد.

### کتاب‌شناسی

۱. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، چاپ شصت و ششم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۲. امیدی، جلیل، *تفسیر قانون در حقوق جزا*، تهران، جنگل، ۱۳۸۹ ش.
۳. بابایی، محمدعلی، میثم غلامی، و فاطمة‌السادات هاشمی دمنه، «ارزیابی سیاست "جرم‌زدایی" قانون برنامه پنجم توسعه در قانون مجازات اسلامی»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره یازدهم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
۴. برهانی، محسن، «افساد فی الارض: ابهام مفهومی، مفاسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)»، *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره دوم، شماره ۲-۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۵. بکاریا، سزار، *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ دهم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۶. پوربافرانی، حسن، «بایدها و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال بیستم، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۷. پیوندی، غلام‌رضا، و سیدعلی‌رضا میربد، «کیفرگذاری در پرتو اصل کرامت انسان»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۵۶، بهار ۱۳۹۷ ش.
۸. تقی‌زاده، جواد، مرتضی نجابت‌خواه، و سجاد فولادوند، «مفهوم ضرورت در اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، سال پنجم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۹. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ چهل و دوم، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۹ ش.
۱۰. دلماش مارتی، می‌ری، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۱۱. راسخ، محمد، و احمد مرکز‌المیری، «تبیین اصول تشریفاتی قانون‌گذاری»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره پانزدهم، ویژه‌نامه شماره ۹، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۱۲. روستائی، مهرانگیز، و حامد رحمانیان، «مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۳، بهار ۱۴۰۰ ش.
۱۳. سلمان‌پور، عباس، و حسن کاظمی، «تحولات تقنینی اعاده حیثیت در حقوق کیفری ایران»، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۱۴. شریفی، محسن، محمدجعفر حبیب‌زاده، محمد عیسائی تفرشی، و محمد فرجیها، «دگرگونی‌های مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره هفتاد و هفتم، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، سیدوحید ابوالمعالی‌الحسینی، و زهراسادات‌علیزاده طباطبایی، «ویژگی‌های جرم‌انگاری در پرتو اسناد و موازین حقوق بشر»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیستم، شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۰ ش.
۱۶. صادقی، سیدمجید، سیدوحید صادقی، و محمد حسن‌پور، «بررسی فقهی - حقوقی مجازات سقط جنین در رسیدن به سیاست افزایش جمعیت»، *فصلنامه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، سال ششم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۷. عبدالله‌زاده شهربابکی، آزاده، «روش‌های ارتقای کیفیت قوانین»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره پنجاهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹ ش.

۱۸. عبداللهی، افشین، «حواله کیفری به مجازات حدی در تعزیرات با تأکید بر انجام اعمالی به قصد براندازی نظام»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۵، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۱۹. غلامی، حسین، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، *فصلنامه حقوق کیفری*، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱ ش.
۲۰. فولادی، محمد، «تحلیلی بر تغییر و تحولات جمعیتی در ایران: با تأکید بر فرصت طلایی پنجره جمعیتی»، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۹)، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۲۱. لازرژ، کریستین، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نهم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۲۲. مجیدی، سید محمود، «اراهکارهای تأمین جرم‌انگاری توسعه‌گرا در حقوق کیفری»، *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
۲۳. منتسکیو، شارل لوئی، *روح القوانين*، ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ دوازدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲ ش.
۲۴. مؤذن‌زادگان، حسعلی، و حامد رهدارپور، «اصل شفافیت قانون» و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، دوره بیست و سوم، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۷ ش.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *مباحثی در علوم جنایی (تقریرات درس سیاست جنایی)*، دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸، ویراست هفتم، ۱۳۹۱ ش.، قابل دسترسی در وبگاه <[www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir)>.
۲۶. نکوئی، محمد، «اصل تناسب جرم و مجازات در قلمرو تخلفات اداری»، *فصلنامه حقوق اداری*، سال هشتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۹ ش.
۲۷. هاشمی، سیدحسین، «نقد فقهی - حقوقی استقلال جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲»، *دوفصلنامه حقوق تطبیقی*، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۸. هاشمی، سیدمحمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ سی و دوم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
29. Abrahamson, Peter, "End of an Era? China's One-Child Policy and its Unintended Consequences", *Asian Social Work and Policy Review*, Vol. 10 (3):326-338, October 2016.
30. Brown, Carolyn H., "The forced sterilization program under the indian emergency: Results in one settlement", *Human Organization*, Vol. 43(1):49-54, Spring 1984.
31. Cho, N. H., "Challenges of the population policy in the Republic of Korea", Paper presented at Forum on Population and Development in East Asia, Beijing, May 16-17, 2005.
32. Jiang, Quanbao & Shuzhuo Li & Marcus W. Feldman, "China's Population Policy at the Crossroads: Social Impacts and Prospects", *Asian Journal of Social Science*, Vol. 41(2):193-218, 2013.
33. Ogawa, Naohiro, "The emergence of very low fertility in Japan: Changing mechanisms and policy responses", Paper prepared for the International Symposium on Social Policy in Asia, Tokyo, 9-10 February 2007, <<http://www.econ.hit-u.ac.jp/~kokyo/sympo-feb07/paper/ogawa-Social%20Policy%20in%20Asia-1.pdf>>.

34. Samuel, Thenganamannil John, "The Development of India's Policy of Population Control", *The Milbank Memorial Fund Quarterly*, Vol. 44 (1):49-67, January 1966.
35. Skalla, Nicole M., "China's One-Child Policy: Illegal Children and the Family Planning Law", *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 30(1):329-363, 2004.
36. Sobotka, Tomáš, "Fertility Trends in Europe: Is Below-Replacement Fertility an Inevitable Outcome of Second Demographic Transition?", Paper presented at VUB Colloquium on Demographic Challenge for the 21<sup>st</sup> Century, Brussels, February 15-16, 2007.

